

طراحی شرایط احراز صلاحیت متقاضیان ایجاد و توسعه مراکز و آموزشگاه‌های کارآفرینی در کشور*

نویسنده: دکتر اسدالله کردنائیج^۱، محمود احمدپور داریابی^۲ و جلیل دلخواه^۳

۱. استادیار دانشگاه تربیت مدرس

۲. استادیار دانشگاه تهران

۳. دانشجوی دکتری مدیریت بازرگانی دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

امروزه کارآفرینی، موتور توسعه اقتصادی در کشور محسوب می‌شود و تمام مسئولان تلاش می‌کنند کارآفرینی را در کشورشان توسعه بدهند. آموزش کارآفرینی مقوله مهمی است که کشورهای پیشرفته در فرایند توسعه اقتصادی - اجتماعی نسبت به آن توجه جدی مبذول داشته، آموزش و پرورش کارآفرینان را در اولویت برنامه های خود قرار داده اند. با توجه به اهمیت فوق‌العاده کارآفرینی و ضرورت توسعه آن در کشور، این تحقیق با هدف مطالعه و طراحی مدل شرایط احراز صلاحیت متقاضیان ایجاد و توسعه مراکز و آموزشگاه‌های کارآفرینی در کشور انجام شده است. در این تحقیق با استفاده از مطالعات تطبیقی مراکز موفق کارآفرینی و با توجه به مبانی نظری تعیین شرایط احراز صلاحیت و در نظر گرفتن شرایط بومی و منطقه ای کشور، مدل شرایط احراز صلاحیت متقاضیان ایجاد و توسعه مراکز و آموزشگاه‌های کارآفرینی طراحی گردیده است.

واژگان کلیدی:

کارآفرینی، آموزشگاه کارآفرینی، شرایط احراز صلاحیت، کارآفرینی سازمانی

دوماهنامه علمی - پژوهشی

دانشگاه شاهد

سال چهاردهم - دوره جدید

شماره ۲۳

تیر ۱۳۸۶

* این مقاله برگرفته از پروژه‌ای است که در مرکز کارآفرینی دانشگاه امیرکبیر و با حمایت مالی وزارت صنایع و معادن انجام شده است.

مقدمه

مسائل امروز کشورها و سازمان‌ها با راه‌های دیروز حل‌شدنی نیست و تنها پیش‌بینی آینده، مشکلات آتی را حل نمی‌کند، بلکه باید برای ساختن آینده (make the future) اقدام کرد. امروزه شرایط محیطی و قواعد

بازی رقابت به حدی پیچیده و مبهم گردیده که کشورها و سازمان‌ها دیگر نمی‌توانند تنها با تغییرات اندک در روش، ساختار، تکنولوژی و عواملی نظیر این، بقای بلندمدت خود را تضمین کنند. لذا کشورها و سازمان‌های امروزی باید انقلابی در اذهان مدیران و کارکنان خود به وجود آورند تا به‌طور اساسی مفهوم

سازمان، کار، کیفیت و رقابت در ذهن آن‌ها دگرگون شود که بدین ترتیب، نقش سنتی مدیر، کارامدی خود را از دست می‌دهد. در چنین شرایطی، کشورها و سازمان‌ها به کارآفرینانی نیاز دارند که بتوانند از طریق خلاقیت و نوآوری، پشتکار، اعتماد به نفس و تحمل ابهام، خون تازه‌ای را در کالبد کشور و سازمان به جریان بیندازند. از این‌رو در یک گستره وسیع، تمام عناصر فعال در صحنه اقتصاد، اعم از مصرف‌کنندگان، تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران باید به کارآفرینی بپردازند؛ چرا که دامنه تأثیرات کارآفرینی بر جامعه بسیار وسیع است و از تغییر در ارزش‌های اجتماعی گرفته تا رشد شتابان اقتصادی را شامل می‌شود. کارآفرینی در هر جامعه سه نقش را ایفا می‌کند: (۱) موتور توسعه اقتصادی است و رشد و توسعه اقتصادی کشورها را تقویت می‌کند؛ (۲) میزان بهره‌وری جوامع را افزایش می‌دهد و (۳) فناوری، محصولات و خدمات جدید را خلق می‌کند.

چیزی که در این خصوص اهمیت دارد این است که علی‌رغم اهمیت روزافزون این پدیده و نقش فزاینده آن در اقتصاد جهانی، در کشورمان کم‌تر به این موضوع پرداخته شده است. شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور ما به گونه‌ای است که لزوم توجه به حل مشکلات و تنگناها در حال و آینده را طلب می‌کند. ترکیب جمعیتی جوان کشور، ضرورت ایجاد فرصت‌های شغلی و نیز جریان مستمر کاهش نقش نفت در اقتصاد کشور، سه عامل عمده‌ای هستند که موجب می‌شوند سیاستگذاران کلان کشور به منبع قابل اتکایی بجز نفت بیندیشند و آن منبع، جز کارآفرینی و مؤلفه‌های آن، چیز دیگری نخواهد بود. آنچه در شرایط سخت کنونی و محیط پیچیده و رقابتی امروز کشور بیش از پیش احساس می‌شود، پرداختن به مقوله اساسی

کارآفرینی است؛ زیرا کارآفرینان با توجه به خصوصیات ممتاز و برجسته خود قادرند در این شرایط، منابع را برای ایجاد رشد و توسعه در زمینه‌های تولید و منابع انسانی فراهم کرده، اشتغال و کسب و کار جدید ایجاد کنند و با نوآوری‌های صنعتی بر توسعه و دامنه محصولات و خدمات جدید بیفزایند. اهمیت فوق‌العاده کارآفرینی و ضرورت توسعه آن در کشور، طرح تحقیقاتی مطالعه و طراحی مدل تعیین شرایط احراز صلاحیت متقاضیان ایجاد و توسعه مراکز کارآفرینی در کشور را اجتناب‌ناپذیر ساخته است. این تحقیق درصدد است از طریق مطالعات تطبیقی مراکز موفق کارآفرینی در کشورهای پیشرفته، مبانی نظری تعیین شرایط احراز صلاحیت، و نیز در نظر گرفتن شرایط بومی و منطقه‌ای کشور، مدل تعیین شرایط احراز صلاحیت متقاضیان ایجاد و توسعه مراکز کارآفرینی را طراحی کند تا از آن طریق، کارآفرینان آینده کشور تربیت و پرورش داده شوند.

در این مقاله، مراحل طراحی مدل شرایط احراز صلاحیت متقاضیان ایجاد و توسعه مراکز کارآفرینی در کشور، شامل مروری بر ادبیات نظری کارآفرینی، آموزش کارآفرینی، تعیین شرایط احراز صلاحیت متقاضیان ایجاد و توسعه مراکز کارآفرینی، مطالعه تطبیقی موضوع در ده مرکز کارآفرینی موفق در جهان [مرکز مطالعات کارآفرینی دانشگاه بابسون- مرکز کارآفرینی دونالد جونز در دانشگاه کارنگی ملون- موسسه مطالعات کارآفرینی واقع در دانشگاه ایلینویز شیکاگو- مرکز کارآفرینی دینگمن دانشگاه مریلند واقع در کالج پارک - موسسه IC² واقع در دانشگاه تگزاس - موسسه پلی تکنیک رنسلائر- مرکز کارآفرینی جان. اف. باوف واقع در دانشگاه بایلور - مرکز کارآفرینی دانشگاه کلرادو واقع در بولدر - مرکز کارآفرینی سول

اسنیدر واقع در آموزشکده وارتون دانشگاه پنسیلوانیا - موسسه توسعه کارآفرین هند، طراحی مدل اولیه (مدل مفهومی) و آزمون آن در یک نمونه اولیه از خبرگان کارآفرینی و طراحی مدل تعیین شرایط احراز صلاحیت متقاضیان، مطالعه میدانی تحقیق، و طراحی نهایی مدل تعیین شرایط احراز صلاحیت متقاضیان ایجاد و توسعه مراکز کارآفرینی ارائه می‌گردد.

مروری بر مبانی نظری تحقیق

مفهوم کارآفرینی

واژه کارآفرینی از کلمه فرانسوی «entreprendre» به معنای «متعهد شدن» (undertake) نشأت گرفته است [۱]. کارآفرینی، فرایندی است که در محیط‌ها و مجموعه‌های مختلف اتفاق می‌افتد و طی آن، تغییرات در سیستم اقتصادی از طریق نوآوری‌های افرادی که به فرصت‌های اقتصادی واکنش نشان می‌دهند، رخ می‌دهد که این باعث ایجاد ارزش فردی و اجتماعی خواهد شد [۲].

استیونسون (Stevenson) و همکارانش معتقدند کارآفرینی عبارت از فرایندی است که در آن، فرصت‌ها به وسیله افراد (یا برای خودشان یا برای سازمان‌هایی که در آن کار می‌کنند)، بدون توجه به منابعی که در کنترل آن‌ها است، تعقیب می‌شود [۳].

کارآفرینی مفهوم جدیدی نیست، بلکه ریشه آن به قرن هجدهم باز می‌گردد، یعنی زمانی که ریچارد کانتیلون (Richard Cantillon) عوامل اقتصادی را به سه دسته تقسیم کرد: ۱ مالکان زمین ۲ عوامل اقتصادی دستمزد بگیر و ۳ آن دسته از عوامل اقتصادی که با قبول خطر در بازار بورس فعالیت می‌کنند [۴]. شاید ژان باتیست سی (Jean Batiste Say) اولین کسی بود که بر نقش حیاتی کارآفرینان در جابه‌جایی منابع اقتصادی بر اساس اصول بهره‌وری تأکید کرد [۵].

حدود سال ۱۸۰۰ میلادی، ژان باتیست سی «کارآفرینی» را مختص فردی می‌دانست که منابع اقتصادی را از یک حوزه دارای بهره‌وری و سود پایین‌تر به حوزه دارای بهره‌وری و سود بالاتر منتقل می‌کرد. با ظهور اصول اقتصادی نئوکلاسیک، مفهوم کارآفرینی و کارآفرین دیگر مورد توجه اقتصاد دانان نبود، زیرا اصول اقتصادی کلاسیک فقط به دنبال بهینه ساختن منابع موجود برای دستیابی به تعادل و توازن بودند. تمرکز بر بهینه‌سازی منابع موجود در بطن نیروهای خارجی به نقطه ثقل اصول اقتصادی رایج تبدیل شده بود. شومپتر (Schumpeter) تنها اقتصاددان برجسته‌ای است که با تمرکز تحلیل اقتصادی بر پویایی‌های حیات اقتصادی و پویایی‌های عدم توازن که با توازنی ایستا تضاد داشت، از اصول اقتصادی نئوکلاسیک خارج شد. او کارآفرینی را نقطه ثقل تئوری خود در مورد توسعه اقتصادی و سازوکار تغییر اقتصادی می‌دانست [۴].

شومپتر کارآفرینی را به عنوان نیروی برهم زننده اقتصاد به‌کار برد و آن را تحت عنوان «تخریب خلاق» نامگذاری کرد. کارآفرینی شومپتری، شامل سه ویژگی اساسی است:

۱. کارآفرینی از قبل قابل درک است، اما نمی‌توان با به‌کار بردن قوانین معمولی و با استنباط از حقایق موجود به‌طور عملی آن را پیش بینی کرد؛
۲. کارآفرینی رویدادها و نتایج بلندمدت را شکل می‌دهد و برای این‌که موقعیت‌های مناسبی خلق کند، موقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی را تغییر می‌دهد.
۳. کثرت و تکرار رویدادهای کارآفرینانه به کیفیت نسبی نیروها، تصمیمات فرد، اقدامات و الگوهای رفتاری بستگی دارد [۶].

در عدم توازن پویا، کارآفرینانی خلق می‌شوند که ترکیب‌های جدیدی را در تولیدات معرفی می‌کنند. شومپیتر بر این نکته اصرار می‌ورزد که کارآفرین، مدیری نیست که فرایند تولید را نظارت می‌کند، بلکه او فعالیت‌های معمولی را بر مبنای تجارب گذشته انجام می‌دهد، اما خطر ابهامات را می‌پذیرد و در فعالیت‌هایی شرکت می‌کند که تاکنون انجام نشده‌اند. به طور خلاصه، کارآفرین فردی است که «ترکیبات جدیدی» را در تولید معرفی می‌کند. بنابراین، کارآفرین یک نیروی ناپایدار است که فرایند «تخریب خلاق» را که لازمه توسعه اقتصادی است آغاز می‌کند.

کار شومپیتر در مورد توسعه اقتصادی و کارآفرینی تأثیر بسزایی بر آثار بعدی در مورد کارآفرینی داشته است، البته شومپیتر (همانند ژان باتیست سی) مفهوم کارآفرینی را با فعالیت‌های کارآفرینی مرتبط می‌سازد که این امر به ترکیبات جدیدی در تولید می‌انجامد و به همین دلیل، برخی از اقتصاددانان نگرشی گسترده‌تر در قبال کارآفرینی دارند. مثلاً کرزنر (Kirzner) بر لزوم کارآفرینی برای بهره برداری از فرصت‌های کشف نشده تأکید می‌کند. از سوی دیگر، شولتز (Shultz) کارآفرینی را توانایی مقابله با عدم توازن می‌داند، نه توانایی پرداختن به ابهامات. هایک (Hayek) نظری مشابه کرزنر دارد و آن را نیرویی پایدار می‌داند که باعث می‌شود بازارها به توازن نزدیک تر شوند و این بازارها با هماهنگی بیش تر عمل کنند. ریسک پذیری، نقطه ثقل مفهوم مایسز (Mises) از کارآفرینی است؛ اما لینک (Link) و هربرت (Herbert) در تلاش برای ارائه یک تعریف ترکیبی از کارآفرینی هستند که موضوعات مهم تاریخی در مورد کارآفرینی، همچون ریسک، ابهام، نوآوری، درک و تغییر را یکپارچه می‌سازد. آنان کارآفرین را فردی تعریف می‌کنند که متخصص

پذیرفتن مسئولیت اتخاذ تصمیمات قانونی است که بر محل، نوع و استفاده از کالاها، منابع یا نهادها تأثیر می‌گذارد.

در اواخر دهه هشتاد میلادی، نویسندگان علوم مدیریت، کارآفرینی را مورد توجه قرار دادند و علی‌رغم مدت کوتاهی که صرف موضوعات کارآفرینی در مدیریت شده، نتایج گسترده‌ای به دست آمده است [۴].

پیتر دراگر (Peter Drucker)، کارآفرینی را منظری برای تغییر می‌داند و کارآفرین را فردی می‌شمرد که همیشه در جستجوی تغییر است، نسبت به آن از خود واکنش نشان می‌دهد و آن را یک فرصت و شانس می‌داند. او در درجه اول، مدیریت کارآفرینی را پاسخی به نوآوری، و تمایل به تغییر را یک فرصت می‌داند، نه یک تهدید، و برای ایجاد یک فضای کارآفرینانه، سیاست‌ها و روش‌هایی را پیشنهاد می‌کند. به علاوه او معتقد است معیارهای سیستماتیک برای ارزیابی عملکرد یک شرکت به عنوان یک کارآفرین یا نوآور حیاتی بود، هدف از آن توسعه عملکرد است. دراگر ساختار سازمانی را مناسب‌ترین فضا برای ایجاد فضای کارآفرینی می‌داند.

وسپر (Vesper) کارآفرینی را فرایندی می‌داند که برای شرکت‌های معتبر، چه کوچک باشند و چه بزرگ، رقبای جدید و مستقلی را معرفی می‌کند. او کارآفرینان را افرادی می‌داند که رقابت را افزایش می‌دهند، شرکت‌های موجود را به چالش می‌کشانند، به دنبال فرصت‌های مناسبی هستند تا در محیط بازار نیازهای برآورده نشده را برآورده کنند، فناوری‌ها را منتقل سازند، عقاید جدیدی را خلق و آن‌ها را اجرا کنند، سرمایه گذاری را ترغیب می‌کنند؛ و همراه با آن به دنبال مشاغل جدید هستند [۷].

تیمونز (Timmons)، کارآفرینی را توانایی خلق و ساخت چیزی ارزشمند از هیچ چیز می‌داند. این مفهوم یعنی شروع، انجام، دستیابی و ایجاد یک شرکت یا سازمان. پینکات (Pinchot)، نقش کارآفرین را خلق نوآوری، و نوآوری را یک نوع نابودی خلاقانه می‌داند. نقش او در موضوع کارآفرینی آن است که با کمک واژه کارآفرین، نقش کارآفرینانه یک سازمان را از سازمان‌های بیرون جدا می‌کند.

آموزش کارآفرینی و چالش‌های پیش روی آن

آموزش به معنای معلومات و رشد فکری است که از راه تحصیلات رسمی و غیررسمی و مطالعه میدانی به دست می‌آید. اساسی ترین موضوع در خصوص آموزش کارآفرینی، تأکید بر این سؤال است که آیا کارآفرینی می‌تواند آموزش داده شود؟

وسپر (Vesper) در ۱۹۹۰ در یک مطالعه میدانی از اساتید امریکایی دریافت که کارآفرینی می‌تواند آموزش داده شود. در این بررسی ۹۳ درصد پاسخ دهندگان تأکید کردند که کارآفرینی قابل آموزش دادن است [۷]. هیلز (Hills) در ۱۹۸۸ در بررسی تحقیقاتی از ۱۵ دانشگاهی که در زمینه آموزش کارآفرینی پیشرو بودند دریافت که آموزش‌های کارآفرینی آگاهی و درک افراد در مورد فرایند شروع کسب و کار و نحوه اداره آن را افزایش می‌دهد [۸]. مطالعات متعدد (وسپر، ۱۹۸۰؛ کولینگ، ۱۹۶۴؛ گرانت، ۱۹۸۶؛ مک مالان ولانگ، ۱۹۸۷) حاکی از آن است که نقش و مهارت کارآفرینانه می‌تواند از نظر تجربی و فرهنگی اکتساب شود و بنابراین این نتیجه حاصل شد که کارآفرینی قابل آموزش بوده، از طریق آموزش می‌تواند به افراد انتقال داده شود [۸]. همچنین هانینگ در ۲۰۰۴ دریافت که آموزش کارآفرینی آگاهی را بالا می‌برد و کمک می‌کند تا در فرایند کارآفرینی بهتر و موفق‌تر عمل کنند

[۹]. نکته مهم و قابل توجه در آموزش کارآفرینی این است که در آن، روش‌های رسمی و غیررسمی آموزش با هم ترکیب می‌شوند. روش‌های رسمی آموزش کارآفرینی چارچوب‌های نظری را برای افراد فراهم می‌کند و روش‌های غیر رسمی آموزش کارآفرینی بر مهارت، نگرش و رفتار تمرکز کرده، موجب ارتقای مهارت، توسعه نگرش و تغییر رفتار افراد می‌شوند [۱۰]. به‌طور کلی در آموزش کارآفرینی، اهداف متعددی مورد نظر است که برخی از آن‌ها عبارتند از [۱۱]:

- کسب دانش مربوط به کارآفرینی،
- کسب مهارت در استفاده از فنون تحلیل فرصت‌های اقتصادی و ترکیب برنامه‌های عملیاتی،
- شناسایی و تحریک استعدادها و مهارت‌های کارآفرینانه،
- القای مخاطره پذیری با استفاده از فنون تحلیلی،
- ایجاد همدلی و حمایت برای جنبه‌های منحصر به فرد کارآفرینی،
- تغییر نگرش‌ها در جهت پذیرش تغییر.
- با این حال، آموزش کارآفرینی هم اکنون با چالش‌های متعدد مواجه شده که عبارتند از [۱۲]:
- چالش در ایجاد روش‌شناسی‌های تحقیق برای اندازه‌گیری اثربخشی کارآفرینی،
- چالش در کیفیت مدرسان کارآفرینی،
- چالش در پذیرش آموزش کارآفرینی در دانشکده‌ها نسبت به کسب و کار،
- چالش در ایجاد یک پیکره عمومی (مشترک) در زمینه‌های دانشی مختلف،
- چالش در اثربخشی روش‌های آموزشی،
- چالش در نیازهای یادگیری کارآفرینانی که در حال کار هستند، آن هم متناسب با چرخه عمر کسب و

کاری که هم‌اکنون در آن به سر می‌برند.

میان صنعتگران و دست‌اندرکاران فعالیت‌های اقتصادی برای آموزش کارآفرینی است.

انواع برنامه‌ها و دوره‌های آموزش کارآفرینی

به‌طور کلی تا سال ۱۹۹۱ میلادی چهار دسته اصلی از برنامه‌های آموزشی کارآفرینی شکل گرفت که عبارتند از [۱۳]:

دسته اول) برنامه‌هایی که برای «آگاهی و جهت‌گیری به سوی کارآفرینی» است. هدف این دوره‌ها، افزایش آگاهی، و درک و بینش نسبت به کارآفرینی به عنوان یک انتخاب شغلی برای افراد از تمام اقشار اجتماعی است.

دسته دوم) برنامه‌های آموزشی است که «خلق و توسعه شرکت‌های جدید» را پوشش می‌دهد. هدف این دوره‌ها، توسعه قابلیت‌ها، توانایی‌ها و انگیزش افراد است تا به خلق و ایجاد کسب و کار، خوداشتغالی و توسعه شرکت‌ها و کسب و کارها بپردازند.

دسته سوم) برنامه‌هایی که بر روی «بقا و رشد کسب و کارهای کوچک» متمرکز می‌شود. هدف این دوره‌ها، فراهم آوردن چارچوب‌هایی است که در آن به کارآفرینان کمک می‌کند تا بتوانند در جهت بقای شرکت‌هاشان تلاش کنند و درصد بهبود و رشد آن‌ها برآیند. از دوره‌های بسیار مورد قبول در این خصوص می‌توان به «دوره رشد شرکت‌های کوچک» در دانشگاه دارهام و دوره «فعالیت‌های اقتصادی خود را بهبود دهید» اشاره کرد که توسط سازمان بین‌المللی کار (ILO) در سراسر دنیا اجرا می‌شود.

دسته چهارم) برنامه‌های «توسعه آموزش کارآفرینی» است. هدف این دوره‌ها ارائه شیوه‌های جدید آموزشی و تعیین نقش‌های نوین دانشجویان و استادان در فرایند آموزش کارآفرینی است. هدف دیگر این برنامه‌ها، آموزش و گسترش کمی استادان جدید از

نکات کلیدی در تعیین شرایط احراز صلاحیت متقاضیان ایجاد و توسعه مراکز و آموزشگاه‌های کارآفرینی شرایط احراز صلاحیت متقاضیان ایجاد و توسعه مراکز و آموزشگاه‌های کارآفرینی، شرح صفات و خصوصیات و مهارت‌هایی است که یک متقاضی مرکز و آموزشگاه باید دارا باشد تا بتواند با شایستگی از عهده انجام آن برآید.

مدل شرایط احراز صلاحیت متقاضیان مراکز و آموزشگاه‌های کارآفرینی، از یک طرف، راهنمایی برای انتخاب متقاضیان است و مشخص می‌کند که باید در جستجوی چه فردی و با چه خصوصیتی بود، و از طرف دیگر، چون در آن صفات و خصوصیتی که دارا بودنشان ضروری و مهم شناخته شده تشریح شده، می‌توان از آن در طراحی آزمون انتخابی، یعنی آزمون‌هایی که توانایی متقاضیان مراکز و آموزشگاه‌های کارآفرینی را می‌سنجد، استفاده کرد.

همان‌طور که گفته شد شرایط احراز صلاحیت متقاضیان ایجاد و توسعه مراکز و آموزشگاه‌های کارآفرینی بنا به تعریف، شرح صفات و خصوصیتی است که متقاضی مراکز و آموزشگاه‌ها باید دارا باشد تا بتواند با شایستگی از عهده انجام آن برآید. حال این سؤال مطرح می‌شود که این صفات و خصوصیات را چگونه و به چه طریق می‌توان شناسایی کرد؟ برای این کار معمولاً از سه روش استفاده می‌شود: ۱) اظهارات صاحب‌نظران، ۲) استفاده از متون و اسناد و مدارک، ۳) روش ترکیبی [۱۴].

در روش اول (روش قضاوتی) از کارشناسان و متخصصان و خبرگانی که با موضوع مورد نظر آشنایی دارند سؤال می‌شود کسی که آموزشگاه کارآفرینی به

پلی تکنیک رنسلتر، مرکز کارآفرینی جان.اف.باوف دانشگاه بایلور، مرکز کارآفرینی دانشگاه کلرادو، مرکز کارآفرینی سول اسپندر دانشگاه پنسیلوانیا، و مؤسسه توسعه کارآفرینی هند.

در ادامه به طور مختصر شرایط احراز صلاحیت متقاضیان ایجاد و توسعه مراکز و آموزشگاه‌های کارآفرینی این مراکز ارائه می‌گردد.

در واقع، آغاز هر فعالیت جدید نیاز به امکانات مالی، فیزیکی، تکنولوژیک، انسانی و مدیریتی دارد، یک آموزشگاه کارآفرینی نیز از این قاعده مستثنا نیست. شرایط لازم برای تأسیس چنین مراکزی از نظر مدیران مراکز و آموزشگاه‌های موفق در جهان به شرح زیر است:

مرکز کارآفرینی دونالد جونز دانشگاه کارنگی ملون شرایط احراز صلاحیت برای ایجاد مرکز کارآفرینی را به شرح زیر می‌داند: (۱) منابع مالی: آن‌ها معتقدند برای شروع کار یک مرکز با حد و اندازه‌های مرکز کارآفرینی دونالد جونز، به ۳ تا ۵ میلیون دلار سرمایه اولیه نیاز است؛ (۲) فردی که هم علاقه‌مند به کارآفرینی باشد و هم در آن دارای تخصص باشد؛ (۳) داشتن امکانات فنی و فیزیکی نظیر کلاس‌های استاندارد، کتابخانه، سایت‌های رایان‌های، و سالن کنفرانس؛ (۴) داشتن یک کمیته مشورتی که در تأمین مالی برای مرکز نقش مهمی به عهده دارد [۱۶].

طبق اظهار نظر رئیس مرکز کارآفرینی دینگمن دانشگاه مریلند، شرایط احراز صلاحیت برای ایجاد و توسعه مرکز کارآفرینی عبارت است از: (۱) نیروی انسانی: داشتن مدیر و اساتید موفق و مؤثر که دارای تجربه و تخصص در امر کارآفرینی باشند؛ (۲) منابع مالی: اگر قرار است چنین مرکزی تأسیس شود حتماً باید منابع مالی برای آن فراهم باشد [۱۷].

او واگذار می‌گردد باید دارای چه تحصیلات، تخصص‌ها و مهارت‌هایی باشد، چه دوره‌هایی را گذرانیده باشد و استعداد، هوش و شعورش در چه حدی باشد تا بتواند با شایستگی عهده‌دار آن شود.

در روش دوم که دشوارتر و سخت‌تر و در عین حال زمانبرتر است، با مطالعه و بررسی متون و اسناد و مدارک و تحلیل آن‌ها، ویژگی‌ها و مهارت‌های فردی مورد نیاز تعیین می‌گردد.

روش سوم که منطقی‌ترین روش محسوب می‌شود ترکیبی از هر دو روش فوق است که در آن، ابتدا با مطالعه و بررسی متون و اسناد و مدارک، مهارت‌ها و ویژگی‌های مورد نیاز استخراج می‌گردد و سپس از طریق ارائه نظرهای کارشناسی خبرگان و متخصصین کامل می‌گردد [۱۵].

نتایج حاصل از مطالعه تطبیقی شرایط احراز صلاحیت متقاضیان ایجاد و توسعه مراکز و آموزشگاه‌های کارآفرینی

قبل از طراحی مدل مفهومی شرایط احراز صلاحیت متقاضیان ایجاد و توسعه مراکز و آموزشگاه‌های کارآفرینی در کشور، و پس از مطالعه ادبیات نظری کارآفرینی و مدل شرایط احراز صلاحیت متقاضیان مطالعه تطبیقی و الگوگیری از مراکز و آموزشگاه‌های موفق کارآفرینی در سطح جهان مورد توجه قرار گرفت. بر این اساس، شرایط احراز صلاحیت متقاضیان ایجاد مراکز و آموزشگاه‌های کارآفرینی در ده مرکز کارآفرینی به دقت مطالعه و بررسی شد. این مراکز عبارتند از: مرکز مطالعات کارآفرینی دانشگاه بابسون، مرکز کارآفرینی دونالد جونز دانشگاه کارنگی ملون، مؤسسه مطالعات کارآفرینی دانشگاه ایلینویز شیکاگو، مرکز کارآفرینی دینگمن دانشگاه مریلند، مؤسسه IC² دانشگاه تگزاس، مرکز کارآفرینی تکنولوژی مؤسسه

امکانات فیزیکی و فنی برای طراحی مدل مفهومی تحقیق استفاده گردیده است.

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف، کاربردی است. همچنین بر اساس چگونگی به دست آوردن داده‌های مورد نیاز، تحقیقات علمی به دو دسته تقسیم می‌شوند: تحقیق توصیفی (غیر آزمایشی) و تحقیق آزمایشی. روش آزمایشی به منظور برقراری رابطه علت و معلولی میان دو یا چند متغیر استفاده می‌شود. تحقیق توصیفی نیز شامل مجموعه روش‌هایی است که هدف آن‌ها توصیف کردن شرایط یا پدیده‌های مورد بررسی است. اجرای تحقیق توصیفی می‌تواند صرفاً برای شناخت بیش‌تر وضع موجود یا یاری دادن به فرایند تصمیم‌گیری باشد. تحقیق توصیفی به تحقیقات پیمایشی، همبستگی اقدام‌پژوهی، بررسی موردی و پس‌رویدادی (علی-مقایسه‌ای) تقسیم می‌شود [۱۸]. تحقیق حاضر از نوع توصیفی و از شاخه پیمایشی است.

ابزار جمع‌آوری داده‌ها در این تحقیق، مطالعات کتابخانه‌ای، مصاحبه و پرسشنامه بوده است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات حاصل از مصاحبه و نظرسنجی، از روش تحلیل محتوا استفاده گردیده و در مورد پرسشنامه از روش‌های آمار استنباطی نظیر آزمون میانگین و آزمون فریدمن استفاده شده است.

جامعه آماری تحقیق در قسمت آزمون اولیه، خبرگان کارآفرینی و در قسمت مطالعه میدانی، مراکز فنی، تخصصی و مدیریتی و سازمان‌های سیاستگذار آن‌ها در کشور بوده است.

نمونه آماری تحقیق در قسمت آزمون اولیه مدل، شش نفر از خبرگان کارآفرینی در کشور و در قسمت مطالعه میدانی ۲۹ مرکز فنی - تخصصی و مدیریتی و

مرکز کارآفرینی IC² دانشگاه تگزاس نیز علاوه بر کارآفرین بودن فرد متقاضی ایجاد این مراکز و آموزشگاه‌ها به ویژگی‌های دیگری از جمله کوشا بودن، متعهد بودن، داشتن مهارت‌های رهبری لازم و ... تأکید کرده است. همچنین علاوه بر ویژگی‌های عمومی فوق، برخورداری از منابع مالی مناسب که از نظر مسئولین این مرکز حداقل ۵ میلیون دلار است و نیز بهره‌مندی از نیروی انسانی مناسب و هیأت مشاوره خوب از ضروریات تأسیس چنین مراکزی محسوب شده است [۱۷].

بقیه آموزشگاه‌های کارآفرینی، شامل مرکز مطالعات کارآفرینی بایسون، مرکز مطالعات کارآفرینی ایلینویز، مؤسسه پلی‌تکنیک رنسلائر، مرکز کارآفرینی جان.اف.باوف دانشگاه بایلور، مرکز کارآفرینی دانشگاه کلرادو، مرکز کارآفرینی سول اسنیدر و مرکز توسعه کارآفرینی هند، به‌طور مشترک به موارد زیر تأکید دارند:

۱) داشتن منابع مالی که بسته به نوع فعالیت‌های مرکز و منطقه‌ای که در آن قرار دارد متفاوت خواهد بود؛ ۲) فردی که آموزشکده کارآفرینی را ایجاد می‌کند باید کارآفرین، متخصص و با تجربه باشد و علاوه بر آن دارای بینش لازم جهت اداره مؤسسه باشد؛ ۳) از نیروی انسانی مناسب و کادر قوی هیأت علمی و اجرایی برخوردار باشد؛ ۴) از منابع فیزیکی و فنی مورد نیاز مانند سایت‌های رایانه‌های، کلاس‌های استاندارد، کتابخانه و ... برخوردار باشد [۱۷].

برای طراحی مدل شرایط احراز صلاحیت متقاضیان ایجاد و توسعه مراکز و آموزشگاه‌های کارآفرینی، از نتایج مطالعه تطبیقی فوق و مبانی نظری تحقیق استفاده گردید. از شاخص‌های به دست آمده از مطالعه تطبیقی و مبانی نظری تحقیق در قالب منابع مالی و انسانی و نیز

میدانی مورد نظرسنجی رؤسا و معاونین ۲۴ مرکز فنی، تخصصی و مدیریتی در سطح کشور و پنج نفر از مدیران و خبرگان سازمان‌های سیاستگذار این مراکز قرار گرفت و نظرهای آنان اخذ شد. با توجه به نظر اصلاحی عنوان شده، مدل نهایی تعیین شرایط احراز صلاحیت متقاضیان ایجاد و توسعه مراکز و آموزشگاه‌های کارآفرینی طراحی و تدوین گردید.

بررسی و بحث

طراحی مدل مفهومی شرایط احراز صلاحیت متقاضیان ایجاد و توسعه مراکز و آموزشگاه‌های کارآفرینی و تست مدل در یک نمونه اولیه

پس از مطالعات نظری در خصوص کارآفرینی و شرایط احراز صلاحیت متقاضیان ایجاد مراکز کارآفرینی و نتایج حاصل از مطالعه تطبیقی نمونه‌های موفق خارجی و نمونه‌های مشابه داخلی و نیز مصاحبه با خبرگان کارآفرینی و مراکز سیاستگذاری و پشتیبانی تخصصی، مدل مفهومی تحقیق طراحی گردید. شکل شماره ۱ مدل شرایط احراز صلاحیت متقاضیان مراکز و آموزشگاه‌های کارآفرینی را نشان می‌دهد.

شرایط متقاضی	تحصیلات			
	تجربه			
	دوره‌های نوآوری			
	سابقه نوآوری			
	ویژگی‌های کارآفرینی			
	مهارت‌های مدیریتی			
	منابع مالی			
	امکانات فنی و فیزیکی			
	نیروی انسانی خبره			
		توسعه یافته	نسبتاً محروم	محروم
	نوع منطقه			

شکل ۱: مدل شرایط احراز صلاحیت متقاضیان ایجاد و توسعه مراکز و آموزشگاه‌های کارآفرینی

سازمان‌های سیاستگذار آنها بوده است. واحد آماری این قسمت رؤسا و معاونین مراکز فنی - تخصصی و مدیریتی و مراکز سیاستگذاری آنها بوده است.

در این تحقیق برای نمونه‌گیری، از روش نظری یا قضاوتی استفاده شده است. هرگاه بخشی از یک جامعه آماری بر اساس داوری و قضاوت خبرگان و متخصصان آن حوزه برای بررسی انتخاب شوند، چنین نمونه‌ای نظری یا قضاوتی نامیده می‌شود [۱۹]. در خصوص بررسی اعتبار ابزار اندازه‌گیری تحقیق باید گفت که یکی از روش‌های بررسی اعتبار مدل، استفاده از تکنیک دلفی است. در خصوص مدل نظری این تحقیق نیز همان‌طور که تشریح گردید مدل پیشنهادی اولیه با استفاده از نظر خبرگان و سیاستگذاران و افراد کلیدی در سازمان‌های سیاستگذار در امر کارآفرینی اصلاح و نهایی گردید.

مراحل تحقیق

در این تحقیق، پس از مطالعه مبانی نظری کارآفرینی و آموزش کارآفرینی و برای استخراج هر چه بهتر شرایط احراز صلاحیت متقاضیان ایجاد مراکز و آموزشگاه‌های کارآفرینی، ۱۰ مرکز و آموزشگاه موفق کارآفرینی در جهان نیز شناسایی گردید و شرایط احراز صلاحیت متقاضیان آن مراکز در آن کشورها مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت. با عنایت به مطالعات تطبیقی انجام گرفته و مبانی نظری تعیین شرایط احراز صلاحیت، مدل اولیه تعیین شرایط احراز صلاحیت، به عنوان مدل مفهومی طراحی و تدوین گردید.

سپس مدل مفهومی طراحی شده مورد نظرسنجی متخصصان و خبرگان کارآفرینی قرار گرفت. بدین منظور این اشخاص اخذ گردید و اصلاحات لازم جهت بهبود مدل طراحی شده به عمل آمد. پس از اعمال اصلاحات لازم، مدل طراحی شده به صورت مطالعه

در ادامه، تعاریف نظری و عملیاتی هر یک از متغیرهای مدل شرایط احراز صلاحیت متقاضیان ایجاد و توسعه مراکز و آموزشگاه‌های کارآفرینی ارائه می‌گردد:

تحصیلات: دوره‌های آموزش رسمی و بلند مدت که منجر به مقطع تحصیلی می‌شود. آخرین مدرک تحصیلی فرد چیست؟

کارآفرین بودن: کارآفرین کسی است که متعهد می‌شود مخاطره‌های یک فعالیت اقتصادی را سازماندهی، اداره و تقبل کند (و بستر).

منابع مالی: مجموعه دارایی‌های نقدی و غیر نقدی که متقاضی در اختیار دارد (عملیات).

تجربه: میزان سنوات کاری در یک شغل معین به تفکیک مشاغل آموزشی، اجرایی، تحقیقاتی و مدیریتی.

دوره‌های آموزشی گذرانده: الف) کلیه تجارب کاری و دانش تخصصی مدیریتی که مدیر بر اساس دوره‌های آموزشی رسمی به‌دست آورده است. ب) امتیازی است که مدیر بر اساس شاخص‌هایی مانند توانایی انجام کار با دیگران، تقسیم کار، ایجاد انگیزه در کارکنان، میزان آشنایی با رایانه، مهارت‌های فنی مرتبط و توانایی درک فرصت‌های کاری جدید، بر اساس طیف لیکرت و توسط پرسشنامه کسب می‌کند.

تیم همکاران (تیم آموزشی، نیروی انسانی): الف) کارکنان کلیدی که مسئولیت‌های اساسی مؤسسه آموزشی کارآفرینی را بر عهده دارند؛ ب) کارکنانی که بر حسب میزان تجربه و آشنایی با مقوله کارآفرینی، حایز صلاحیت برای احراز مشاغل کلیدی مؤسسه آموزش کارآفرینی شناخته می‌شوند.

تعریف عملیات کارآفرینی: تغییری است که بر حسب شاخص‌هایی مانند تعداد کالاهای جدید (ارائه شده)، طراحی روش جدید انجام کار، طراحی خدمات جدید، کشف و گشایش بازارهای تازه، یافتن منابع جدید و ایجاد تشکیلات جدید در صنعت و همچنین بر اساس مؤلفه‌هایی مانند ریسک‌پذیری و تحمل ابهام که در قالب مقیاس لیکرت و پرسشنامه سنجیده می‌شود، تعیین می‌گردد.

امکانات فیزیکی، شامل تعداد کلاس‌های آموزشی استاندارد، وجود کتابخانه و ساختمان مناسب از جمله فضای استاندارد برای تشکیل کلاس‌ها، کتابخانه، سالن کنفرانس، واحدهای اداری، آزمایشگاه و نیز تجهیزات آزمایشگاهی و رایان‌های.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود شرایط به دو دسته شرایط خاص و شرایط عمومی تقسیم شده‌اند. منظور از شرایط عمومی، شرایطی است که فرد متقاضی حتماً باید حداقل‌های آن‌ها را داشته باشد و شرایط خاص شرایطی هستند که امکان همپوشانی دارند و اگر یکی از آن‌ها وجود نداشته باشد با تکیه بر دیگری می‌توان آن‌را پوشش داد.

همان‌گونه که قبلاً بیان گردید، آغاز هر فعالیت جدید به امکانات مالی، فیزیکی، تکنولوژیک، انسانی و مدیریتی نیاز دارد و یک مرکز و آموزشگاه کارآفرینی نیز از این قاعده مستثنا نیست. بدین منظور در مدل شرایط احراز صلاحیت طراحی شده، شرایط متقاضی به دو دسته تقسیم شده است. دسته اول، شرایط عمومی متقاضی است که در آن، میزان تحصیلات فرد (دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس و دکتری)، تجربه (تجربه آموزشی، اجرایی، تحقیقاتی، مدیریتی و کارآفرینی)، دوره‌های آموزشی گذرانده شده (دوره آموزشی مدیریت، رایانه، زبان انگلیسی، تخصصی و کارآفرینی)، نوآوری (برای تشخیص حد نوآوری متقاضی از مؤلفه‌های کارآفرینانه نظیر ارائه طرح جدید، روش جدید انجام کار و سابقه ایجاد شرکت استفاده گردید)، ویژگی‌های کارآفرینی (که در آن میزان تحمل ابهام، کانون کنترل درونی، پشتکار، اعتماد به نفس و ریسک‌پذیری متقاضی سنجیده می‌شود)، مهارت‌های مدیریتی (که در آن مهارت‌های ادراکی و مفهومی، توانایی درک فرصت‌های کاری جدید، توانایی تدوین استراتژی و توانایی تشخیص نقاط قوت و ضعف سازمان، مهارت‌های انسانی (توانایی انجام کار با دیگران و ایجاد انگیزه در کارکنان)، و مهارت‌های فنی

تقریباً تمام صاحب‌نظران و خبرگان کارآفرینی، مدل مفهومی طراحی شده و مؤلفه‌های آن را به‌طور ضمنی تأیید کردند، اما نظریات ارزشمندی نیز وجود دارد که در نهایت، منجر به جرح و تعدیل و بهبود در مدل مفهومی طراحی شده گردید.

یکی از نکات مهم که خبرگان و متخصصین کارآفرینی به آن اشاره داشتند در خصوص امکانات فیزیکی و فنی و تعداد استاد و مسئول اجرایی بود. آن‌ها معتقد بودند در خصوص تعداد کلاس، رایانه، استاد و مسئول اجرایی، نسبت‌های استاندارد آموزشی وجود دارد که باید از آن‌ها استفاده کرد. برای مثال، تعداد کلاس به ازای هر ۱۸ فراگیر یک کلاس، و تعداد استاد به ازای هر ۱۸ فراگیر یک استاد. در مورد مسئول اجرایی اعتقاد بر آن بود که به ازای هر ۱۰ فراگیر یک مسئول اجرایی لازم است.

در این خصوص، نظر خبرگان بسیار صحیح و منطقی است، اما این نکات هنگامی قابلیت اجرایی دارند که آموزشگاه راه‌اندازی شده و عملاً دوره‌های آموزشی را اجرا کند، در حالی که ما هنوز نمی‌دانیم چند نفر فراگیر در آموزشگاه ثبت نام خواهند کرد تا بتوان بر مبنای آن‌ها، تعداد کلاس، رایانه، استاد و مسئولین اجرایی را تعیین کرد. نکته بسیار مهمی که این تحقیق به دنبال آن است یافتن حداقل لازم و ضروری در خصوص تعداد کلاس‌ها، رایانه، استاد و مسئولین اجرایی است. برای مثال، وزارت آموزش و پرورش برای افرادی که متقاضی تأسیس مدارس غیر انتفاعی هستند شرایطی را تعیین کرده که در آنجا هم به ذکر حداقل‌ها اکتفا شده است و بقیه موارد به شرایط مدرسه و تعداد دانش‌آموزان بستگی دارد.

نکته مهم دیگر که خبرگان کارآفرینی به آن اشاره کردند ضریب اهمیت عوامل و شاخص‌های اصلی و فرعی شرایط احراز صلاحیت متقاضیان بود. آن‌ها معتقد بودند ضریب اهمیت عوامل یکسان نیست و اهمیت برخی از عوامل و شاخص‌ها نسبت به بقیه بیش تر

(تقسیم کار، میزان آشنایی با مهارت‌های فنی مربوط به کار، میزان آشنایی با رایانه، اینترنت و ...) مورد بررسی و سنجش قرار می‌گیرد.

دسته دوم، شرایط خاص یا اختصاصی است که منابع مالی مورد نیاز آغاز به کار یک مرکز کارآفرینی، امکانات فنی و فیزیکی (شامل کتابخانه، سالن کنفرانس، آزمایشگاه، تعداد کلاس، تعداد رایانه و ساختمان اداری) و منابع انسانی خبره (شامل تعداد اساتید و مدیران اجرایی) را در بر می‌گیرد.

همچنین برای این که مدل طراحی شده از انعطاف لازم برخوردار باشد، تلاش گردید تا مدل شرایط احراز صلاحیت متقاضیان مراکز و آموزشگاه‌های کارآفرینی با توجه به متقاضیان خاص کشورمان و شرایط اجتماعی و فرهنگی آن باشد و طوری طراحی گردد که با شرایط بومی کشورمان انطباق داشته باشد. بدین منظور مدل طوری طراحی شد که شرایط احراز متقاضیان این مراکز با توجه به نوع منطقه‌ای که قرار است آن مراکز در آنجا ایجاد شود، باشد و بر این اساس، مناطق مختلف کشور به سه منطقه توسعه یافته، نسبتاً محروم و محروم تقسیم گردند تا بتوان بر مبنای نوع منطقه، شرایط احراز صلاحیت متقاضیان (شرایط عمومی و اختصاصی) ایجاد مراکز و آموزشگاه‌های کارآفرینی را مورد مطالعه و بررسی قرار داده، تعیین کرد [تقسیم مناطق به سه منطقه توسعه یافته، نسبتاً محروم و محروم بر اساس تقسیم بندی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور می‌باشد].

پس از طراحی مدل مفهومی، مدل طراحی شده در قالب یک پرسشنامه در یک نمونه اولیه که شامل ۶ نفر از خبرگان و صاحب‌نظران کارآفرینی بودند مورد تجزیه و تحلیل و نظرسنجی قرار گرفت و مصاحبه‌هایی با هر یک از آن‌ها انجام شد. برای تجزیه و تحلیل نظر خبرگان کارآفرینی از روش تحلیل محتوا استفاده شده است.

خواهد بود. این مورد نکته‌ای بود که در هنگام طراحی مدل مفهومی به آن توجه نشده بود. برای رفع این اشکال و اعمال نکته کلیدی فوق، تلاش گردید تا با حفظ محتوای پرسشنامه تعیین شرایط احراز صلاحیت، سؤالاتی به پرسشنامه اضافه و اصلاحات لازم نیز در آن اعمال شود.

مطالعات میدانی تحقیق و شرایط احراز صلاحیت متقاضیان ایجاد و توسعه مراکز و آموزشگاه‌های کارآفرینی

پس از نظر سنجی از خبرگان کارآفرینی و در نظر گرفتن استدلال‌های مطرح شده در مصاحبه‌ها، مدل شرایط احراز صلاحیت متقاضیان ایجاد و توسعه مراکز و آموزشگاه‌های کارآفرینی و مؤلفه‌های آن مورد تجدید نظر و اصلاح قرار گرفت. مرحله بعدی، مطالعه میدانی تحقیق بود که بایست مدل طراحی شده مورد نظرسنجی مدیران و معاونین ۲۴ مرکز فنی - تخصصی و مدیریتی و ۵ سازمان به عنوان سیاستگذاران این مراکز در سطح کشور قرار گیرد تا بتوان از تجارت و دیدگاه‌های این مدیران برای بومی کردن مدل طراحی شده سود جست. بدین منظور، مراکز فنی - تخصصی و مدیریتی طوری انتخاب شدند که هم تمام مناطق مختلف کشور در آن لحاظ بشود و هم از نظر نوع فعالیت، مراکزی باشند که مبنای فعالیت آن‌ها آموزشی است.

بدین ترتیب، مناطق کشور به سه منطقه توسعه یافته (استان‌های تهران، اصفهان، فارس، آذربایجان شرقی و خراسان)، نسبتاً محروم (مانند استان‌های مازندران، گیلان، مرکزی، یزد، خوزستان و آذربایجان غربی) و محروم (مانند استان‌های ایلام، بوشهر، هرمزگان، کردستان و کرمانشاه) تقسیم شدند و بر مبنای آن از منطقه توسعه یافته، استان‌های تهران، اصفهان و

آذربایجان شرقی، از منطقه نسبتاً محروم، استان‌های مازندران و خوزستان و از منطقه محروم، استان‌های بوشهر و کرمانشاه برای انجام مطالعه میدانی تحقیق انتخاب شدند.

مراکز و آموزشگاه‌های فنی - تخصصی و مدیریتی در سطح استان‌ها، شامل مراکز آموزش مدیریت دولتی، ادارات کل سازمان فنی و حرفه‌ای، دانشکده‌های مدیریت دانشگاه‌های دولتی، و سایر مؤسسات آموزشی، مانند مؤسسه آموزشی نظام الملک (وابسته به وزارت صنایع و معادن)، دانشگاه اسلامی کار (وابسته به وزارت کار و امور اجتماعی)، مؤسسه عالی جهاد دانشگاهی، مؤسسه آموزشی شرکت احداث صنعت (وابسته به وزارت صنایع و معادن)، مؤسسه تحقیقات و آموزش مدیریت (وابسته به وزارت نیرو)، مرکز پژوهش و مهندسی جوش ایران (وابسته به وزارت صنایع و معادن)، سازمان مدیریت صنعتی اصفهان، و مرکز کارآفرینی دانشگاه تربیت مدرس بودند.

در خصوص مراکز سیاستگذار و پشتیبانی‌کننده مراکز فنی، تخصصی و مدیریتی، مراکز سیاستگذار زیر انتخاب گردیدند:

۱. سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور (زیر نظر وزارت کار و امور اجتماعی)،
 ۲. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور،
 ۳. شورای مرکزی توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌ها،
 ۴. وزارت صنایع و معادن،
 ۵. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- با مشخص شدن اسامی مراکز فنی - تخصصی و مدیریتی و مراکز سیاستگذار آن‌ها در سه منطقه کشور، مصاحبه‌هایی با رؤسا و معاونین این مراکز انجام شد. پس از اتمام مطالعات میدانی و جمع‌آوری اطلاعات حاصل از نظرسنجی، نظر مدیران این مراکز مورد بحث

نتایج مطالعات میدانی

نتایج مطالعات میدانی و تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها و پرسشنامه‌های تحقیق، بیانگر آن است که حداقل میزان تحصیلات متقاضیان ایجاد و توسعه مراکز آموزشگاه‌های کارآفرینی در مناطق توسعه یافته نسبتاً محروم و محروم، لیسانس است. حداقل میزان تجربه لازم برای متقاضیان ایجاد و توسعه مراکز و آموزشگاه‌های کارآفرینی در مناطق مختلف در جدول (۱) ارائه گردیده است.

جدول ۱: حداقل میزان تجربه

تجربه منطقه	تجربه آموزشی	تجربه تحقیقاتی	تجربه کارشناسی	تجربه مدیریتی
توسعه یافته	۵	۳	۵	۳
نسبتاً محروم	۴	۲	۴	۳
محروم	۳	۲	۳	۳

لازم به ذکر است که میانگین دقیق میزان تجربه برای منطقه توسعه یافته به ترتیب عبارت است از: ۴/۵۳، ۳/۳۹، ۳/۴۲، برای منطقه نسبتاً محروم: ۳/۶، ۲/۶۴، ۳/۷۱، ۲/۷۱؛ و برای منطقه محروم: ۳/۱۷، ۲/۲۵، ۳/۲۱ و ۲/۲۱ تمام اعداد فوق‌گرد و در جدول قرار داده شده‌اند.

سابقه نوآوری متقاضیان ایجاد و توسعه مراکز و آموزشگاه‌های کارآفرینی، از نظر سابقه ارائه طرح جدید، ارائه محصول یا خدمت جدید، ارائه روش جدید انجام کار و ایجاد شرکت برای مناطق مختلف به شرح جدول (۲) است.

و بررسی و تحلیل محتوا قرار گرفت. با توجه به این که کلیت ساختار سازمانی طراحی شده و اهداف و شرح وظایف بخش‌های آن مورد تأیید مصاحبه‌شوندگان واقع شده بود، تلاش گردید تا برای بهبود ساختار طراحی شده، تغییرات و اصلاحات لازم اعمال گردد. در ادامه، نکات مهم مطرح شده به وسیله مدیران مراکز فنی - تخصصی و مدیریتی و مراکز سیاستگذار آن‌ها به‌طور اجمال توضیح داده می‌شود.

یکی از موضوعات مهم مطرح شده در مصاحبه‌ها که مورد تأکید اکثر مدیران بود، منابع مالی مورد نیاز برای آغاز کار مرکز و آموزشگاه کارآفرینی بود. در واقع آن‌ها معتقد بودند مهم‌ترین مؤلفه برای شرایط احراز صلاحیت متقاضیان ایجاد این مراکز، در اختیار داشتن منابع مالی است.

نکته مهم دیگر که مدیران مراکز فنی، تخصصی و مدیریتی و مراکز سیاستگذار این مراکز به آن اشاره داشتند این بود که یکی از شرایط اصلی احراز صلاحیت متقاضیان مراکز کارآفرینی در اختیار داشتن کادر هیأت علمی و استفاده از اساتیدی است که در کنار جنبه‌های تئوریک و نظری، خودشان دارای سوابق علمی مناسب در زمینه کارآفرینی باشند.

سایر نظرهای مدیران مراکز فنی - تخصصی و مدیریتی و مراکز سیاستگذار این مراکز در پرسشنامه تعیین شرایط احراز صلاحیت بیان گردید که پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌های آن، مدل نهایی شرایط احراز صلاحیت متقاضیان ایجاد و توسعه مراکز و آموزشگاه‌های کارآفرینی طراحی و تدوین گردید.

جدول ۲: سابقه نوآوری متقاضیان ایجاد مراکز کارآفرینی

ایجاد شرکت	سابقه ارائه روش جدید انجام کار	سابقه ارائه محصول یا خدمت جدید	سابقه ارائه طرح جدید	ویژگی‌های نوآورانه منطقه
۱	۲	۱	۲	توسعه یافته
۱	۱	۱	۱	نسبتاً محروم
۱	۱	۱	۱	محروم

جدول ۳: ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینان

میزان	عامل
زیاد	تحمل ابهام
زیاد	کانون کنترل درونی
بسیار زیاد	پشتکار
بسیار زیاد	اعتماد به نفس
زیاد	ریسک‌پذیری

در واقع، طیف پنج گزینه‌ای پرسشنامه از خیلی کم تا خیلی زیاد، و نمره داده شده به آن‌ها به ترتیب از ۱ تا ۵ بوده است. میانگین دقیق اعداد به‌دست آمده از نتایج پرسشنامه در خصوص میزان دارا بودن ویژگی‌های کارآفرینانه متقاضیان ایجاد و توسعه مراکز و آموزشگاه‌های کارآفرینی به ترتیب عبارت است از: ۴/۲۱، ۴/۳۵، ۴/۷۵، ۴/۷۵ و ۴/۱ که ابتدا اعداد به‌دست آمده گرد شده و پس از تبدیل آن‌ها به عبارات خیلی کم تا خیلی زیاد، در جدول (۳) قرار داده شده‌اند.

میزان دوره‌های آموزشی (مدیریت، رایانه، زبان انگلیسی و کارآفرینی) گذرانده شده متقاضی ایجاد و توسعه مراکز و آموزشگاه‌های کارآفرینی در مناطق مختلف در یک طیف پنج گزینه‌ای از خیلی کم تا خیلی زیاد مورد پرسش قرار گرفته بود. نتایج حاصل از داده‌های پرسشنامه در این مورد در جدول (۴) نشان داده شده است.

ذکر این نکته ضروری است که دارا بودن یکی از ویژگی‌های نوآوری جدول (۲) برای این عامل (سابقه نوآوری) کفایت می‌کند. به عبارت دیگر، اگر کسی در منطقه توسعه یافته ۲ طرح جدید را ارائه کرده باشد حتی اگر سابقه ارائه محصول یا خدمت جدید، روش جدید انجام کار و ایجاد شرکت را نداشته باشد، این اقدامش به‌عنوان سابقه نوآوری مورد قبول است. یا اگر فردی در منطقه محروم فقط ۱ محصول جدید را ارائه کرده و در سایر موارد سابقه‌ای نداشته باشد، همان ۱ مورد برای او کفایت می‌کند.

میانگین دقیق اعداد به‌دست آمده از نتایج پرسشنامه در خصوص سابقه نوآوری متقاضیان به ترتیب عبارت است از: در منطقه توسعه یافته ۲/۲۱، ۱/۴۲، ۲/۰۳ و ۱/۳۵؛ در منطقه نسبتاً محروم ۱/۳۹، ۰/۹۶، ۱/۴۶ و ۰/۹۲؛ در منطقه محروم ۱/۱۷، ۰/۸۲، ۱/۳۹ و ۰/۷۸. تمام میانگین‌ها گرد و در جدول (۲) قرار داده شده‌اند.

میزان دارا بودن ویژگی‌های کارآفرینانه متقاضیان (میزان تحمل ابهام، کانون کنترل درونی، پشتکار، اعتماد به نفس و ریسک‌پذیری) که در قالب طیف پنج‌گانه لیکرت مورد بررسی قرار گرفته است به‌صورت جدول (۳) است:

جدول ۴: میزان دوره‌های آموزشی گذرانده شده کارآفرینان

منطقه	نوع دوره	مدیریت	رایانه	زبان انگلیسی	کارآفرینی
توسعه یافته	زیاد	زیاد	زیاد	زیاد	زیاد
نسبتاً محروم	متوسط	متوسط	متوسط	متوسط	متوسط
محروم	متوسط	متوسط	متوسط	متوسط	متوسط

میزان منابع مالی مورد نیاز متقاضیان ایجاد و توسعه مراکز و آموزشگاه‌های کارآفرینی در یک طیف پنج گزینه‌ای (۰ تا ۵ میلیون تومان، ۵ تا ۱۰ میلیون تومان، ۱۰ تا ۱۵ میلیون تومان، ۱۵ تا ۲۰ میلیون تومان و از ۲۰ میلیون تومان به بالا) برای مناطق مختلف مورد سؤال واقع شده بود که نتایج حاصل از داده‌های پرسشنامه در جدول (۶) نشان داده شده است (به تومان):

جدول ۶: میزان منابع مالی متقاضیان کارآفرین

منطقه	میزان منابع مالی مورد نیاز
توسعه یافته	۱۹/۰۰۰/۰۰۰
نسبتاً محروم	۱۶/۰۰۰/۰۰۰
محروم	۱۳/۵۰۰/۰۰۰

لازم به ذکر است که به هر یک از گزینه‌های فوق نمره ۱ تا ۵ داده شده است. میانگین اعداد به دست آمده از داده‌های پرسشنامه در این مورد برای هر یک از مناطق به ترتیب عبارت است از: ۳/۷۹، ۳/۱۸ و ۲/۷۱. برای محاسبه میزان دقیق منابع مالی مورد نیاز برای هر منطقه از فرمول زیر استفاده گردیده است:

$$\text{میزان دقیق مورد نیاز} = \frac{\text{حد بالای طبقه محاسبه شده} \times \text{عدد محاسبه شده به عنوان میانگین نظرها}}{\text{شماره طبقه محاسبه شده}}$$

در این سؤال نیز به هر یک از گزینه‌ها از خیلی کم تا خیلی زیاد نمره ۱ تا ۵ داده شده است. میانگین دقیق اعداد به دست آمده از داده‌های پرسشنامه در این مورد در هر یک از مناطق به ترتیب عبارت است از: در منطقه توسعه یافته ۴/۳۵ و ۴/۱۷، ۳/۵؛ در منطقه نسبتاً محروم ۲/۷۸، ۳/۳۲ و ۳/۴۲؛ و در منطقه محروم ۲/۸۲، ۳/۳۵ و ۳/۴۵. ابتدا اعداد فوق گرد، و پس از تبدیل آن‌ها به عبارات خیلی کم تا خیلی زیاد در جدول (۴) قرار داده شده‌اند.

نیروی انسانی خبره و تعداد اعضای هیأت علمی قوی که باید متقاضی ایجاد و توسعه مراکز و آموزشگاه‌های کارآفرینی در هر یک از مناطق معرفی کند در جدول (۵) نشان داده شده است.

جدول ۵: اعضای هیأت علمی مرکز

منطقه	تعداد اعضای هیأت علمی قوی
توسعه یافته	۳
نسبتاً محروم	۲
محروم	۲

میانگین دقیق تعداد اعضای هیأت علمی قوی برای هر یک از مناطق به ترتیب عبارتست از: ۳/۲۵، ۲/۴۶ و ۲/۱۴ که اعداد فوق ابتدا گرد شده و سپس در جدول (۵) قرار داده شده‌اند.

حداقل تعداد کلاس در هر یک از مناطق به ترتیب ۴/۴۶، ۳/۵۳ و ۳/۲۱؛ مساحت سالن کنفرانس به متر مربع در هر یک از مناطق به ترتیب ۱۱۴/۴۲، ۹۰/۵۷ و ۸۰/۲۸؛ تعداد رایانه مورد نیاز برای هر یک از مناطق به ترتیب ۱۰/۸۹، ۷/۳۵ و ۶/۶۴. کلیه اعداد فوق ابتدا گرد شده و سپس در جدول (۷) قرار گرفته‌اند.

نتایج حاصل از داده‌های پرسشنامه در مورد امکانات کمک آموزشی نیز حاکی از آن است که امکانات کمک آموزشی در هر یک از مناطق به ترتیب عبارتست از: در منطقه توسعه یافته تقریباً باید کلیه امکانات کمک آموزشی وجود داشته باشد؛ در منطقه نسبتاً محروم این امکانات باید در حد متوسط وجود داشته باشد؛ و در منطقه محروم وجود امکانات آموزشی در حد کم کفایت می‌کنند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در گذشته، افسانه‌هایی شایع بود که کارآفرینان دارای ویژگی‌های ذاتی هستند که همراه با آنان متولد می‌شود. این ویژگی‌ها شامل ابتکار، روحیه تهاجمی، تحرک، تمایل در بکارگیری ریسک، توان تحلیلی و مهارت در روابط انسانی است. بنابراین، مفروضه اساسی افسانه این بود که کارآفرینان از طریق آموزش، پرورش نمی‌یابند، در حالی که امروزه کارآفرینی به عنوان یک رشته علمی مورد شناسایی قرار گرفته و فروپاشی این افسانه قدیمی را به دنبال داشته است. رشته علمی کارآفرینی، همانند تمام رشته‌های دیگر دارای مباحث، مدل‌ها، فرایندها و قضایایی (cases) است که نه تنها باید دانش مربوط به آن‌ها کسب شود، بلکه باید مهارت‌ها و کارکردهای آن به صورت عملی آموزش داده شود.

بنابراین میزان منابع مالی مورد نیاز برای هر منطقه عبارت است از:

منطقه توسعه یافته =

$$\frac{3/79 \times 20/000/000}{4} = 18/950/000 \approx 19/000/000$$

منطقه نسبتاً محروم =

$$\frac{3/18 \times 20/000/000}{4} = 15/900/000 \approx 16/000/000$$

منطقه محروم =

$$\frac{2/71 \times 15/000/000}{3} = 13/550/000 \approx 13/500/000$$

امکانات و تجهیزات فیزیکی و فنی مورد نیاز متقاضی ایجاد و توسعه مراکز و آموزشگاه‌های کارآفرینی برای هر یک از مناطق مورد پرسش قرار داده شده است.

نتایج حاصل از داده‌های پرسشنامه در این خصوص در جدول (۷) نشان داده شده است:

جدول ۷: امکانات مورد نیاز متقاضی کارآفرینی

عامل	منطقه	توسعه یافته	نسبتاً محروم	محروم
مساحت ساختمان آزمایشگاه به متر مربع	۲۶۱	۲۱۸	۱۹۰	
حداقل تعداد کلاس	۴	۴	۳	
مساحت سالن کنفرانس به متر مربع	۱۱۴	۹۱	۸۰	
تعداد رایانه	۱۱	۷	۷	
امکانات کمک آموزشی (اورده، دستگاه کپی و ...)	زیاد	متوسط	کم	

میانگین دقیق اعداد به دست آمده از داده‌های پرسشنامه در خصوص هر یک از عوامل به شرح زیر است:

مساحت ساختمان آموزشگاه به متر مربع در هر یک از مناطق به ترتیب ۲۶۱/۴۲، ۲۱۸/۲۱ و ۱۹۰/۳۵:

کارآفرینی برحسب سه منطقه توسعه یافته، نسبتاً محروم و محروم استخراج گردید.

با توجه به اطلاعات و یافته‌هایی که در طول این تحقیق به دست آمد پیشنهاد می‌گردد به منظور موفقیت آموزش کارآفرینی و پرورش کارآفرینانی که موتور توسعه اقتصادی کشور را فعال‌تر کنند، تحقیقات آتی حول محورهای زیر صورت گیرد:

- طراحی مدل اندازه‌گیری اثربخشی دوره‌های آموزشی برگزار شده از سوی مراکز و آموزشگاه‌های کارآفرینی پس از تأسیس؛
 - بررسی شرایط و ویژگی‌های مدرسان مورد استفاده در این مراکز و آموزشگاه‌ها؛
 - بررسی امکانپذیری برقراری ارتباط بین این مراکز و آموزشگاه‌ها با صنعت؛
 - بررسی حمایت‌های مالی دولتی و غیردولتی برای تأسیس مراکز و آموزشگاه‌های کارآفرینی؛
 - بررسی حمایت‌های مالی دولتی و غیر دولتی برای فارغ‌التحصیلان مراکز و آموزشگاه‌های کارآفرینی.
- امید است این تحقیق راهگشای کوشش‌های سازمان یافته‌تر و گسترده‌تر در خصوص توسعه کارآفرینی در کشور باشد.

منابع

1. Cochran, A. (1998) Entrepreneurship, In : D. L. Sills (ed). International Encyclopedia of the Social Science, New York: Free Press, P. 87
2. Echols, Ann & Neck, Christopher, (1998) The impact of behaviors and structure on corporate entrepreneurial success , Journal of managerial psychology, vol. 13, N. 1/2, P.1.
3. Hurley, Amy (1999) Incorporating feminist theories in to sociological theories of entrepreneurship, Women in management review, Vol. 14, N.2, Pp.2-7.
4. Prokopenko, Joseph & Pavlin, Igor, (1991) Entrepreneurship development in public enterprises, International Labor Organization, PP.15-17.

اگر چه در زمینه کارآفرینی و توسعه آن در کشور، مراکز کارآفرینی در قالب طرح توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌ها (کاراد) ایجاد شده اند، اما این مراکز به طور عمیق و واقعی به آموزش کارآفرینی نپرداخته اند و در کنار فعالیت‌های ترویجی و پژوهشی خود، نیم‌نگاهی هم به آموزش کارآفرینی داشته اند که این آموزش‌ها نیز عمدتاً از عناوین درسی رشته‌های مدیریت و اقتصاد بوده است. اگر قرار است کارآفرینی به‌عنوان موتور توسعه اقتصادی در کشور نهادینه شود، نیازمند ایجاد و توسعه مراکز و آموزشگاه‌های کارآفرینی در سطح دانشگاه‌ها، مدارس و مراکز فنی و حرفه‌ای هستیم.

این تحقیق که نتایج آن در قالب مقاله ارائه گردید درصدد استخراج شرایط احراز صلاحیت متقاضیان ایجاد و توسعه مراکز و آموزشگاه‌های کارآفرینی دولتی و خصوصی است. از این‌رو پس از مطالعه ادبیات نظری تحقیق و مطالعه تطبیقی ۱۰ مرکز و آموزشگاه موفق کارآفرینی در جهان، از طریق مطالعه میدانی، مدل شرایط احراز صلاحیت متقاضیان ایجاد و توسعه این مراکز، شامل حداقل میزان تحصیلات، سابقه نوآوری (از نظر سابقه ارائه طرح جدید، ارائه محصول یا خدمت جدید، ارائه روش جدید انجام کار و ایجاد شرکت)، میزان دارا بودن ویژگی‌های کارآفرینانه (میزان تحمل ابهام، کانون کنترل درونی، پشتکار، اعتماد به نفس و ریسک‌پذیری)، میزان دوره‌های آموزشی گذرانده شده (مدیریت، رایانه، زبان انگلیسی و کارآفرینی)، تعداد نیروی انسانی خبیره و اعضای هیأت علمی قوی در اختیار، میزان منابع مالی مورد نیاز، و امکانات و تجهیزات فیزیکی و فنی (مساحت ساختمان آزمایشگاه، حداقل تعداد کلاس، مساحت سالن کنفرانس، تعداد رایانه، امکانات کمک آموزشی) مورد نیاز متقاضیان ایجاد و توسعه مراکز و آموزشگاه‌های

12. Katz, J.(2003) Technology and intellectual trajectory of American entrepreneurship education 1876-1999, *Journal of Business Venturing*, Vol. 18, No.1, PP.283-300.
13. Kirby, David A. (2004) Entrepreneurship education: Can business schools meet the challenge?, *Journal of Education and Training*, Vol. 46, No. 8, 9, PP 510-519.
14. سعادت، اسفندیار. (۱۳۷۵)، مدیریت منابع انسانی، تهران: انتشارات سمت، ص ۴۵.
15. Cascio, Wayne. F. (2001) *Managing Human Resources*; 4th edition, New York: McGraw-Hill, P. 129.
16. www. gsia. Cmu. edu/ afs/ andrew/ gsia/ entc .
17. Upton, Nancy. (1997) *Successful Experience of Entrepreneurship Center Director's*, Baylor University Press, PP. 2-12.
18. سرمد، زهره، حجازی، الهه؛ و بازرگان، عباس (۱۳۷۶) روش تحقیق در علوم رفتاری، چاپ اول، تهران، نشر آگه، صص ۸۴-۱۰۰.
19. خاکی، غلامرضا (۱۳۷۹) روش تحقیق در مدیریت، تهران: مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، صص ۷۴-۷۳.
5. Schiller, Bradley & Crewson, Philip, (1997) Entrepreneurial origins: A Longitudinal inquiry, *Journal of Economic Inquiry*, Oxford University Press, v.35, I.3, PP.523-31.
6. Fu, Tony & Yu, Lai, (2001) Toward a theory of the entrepreneurial state, *International Journal of social economics*, vol. 28, N.9., PP.7-14.
7. Vesper, K., (1990) *Summary of Entrepreneurship Education Survey*, Department of Management and Organization, University of Washington, Seattle, W.A.
8. Hynes, Briga (1996) Entrepreneurship education and training-introducing entrepreneurship into non-business disciplines, *Journal of European Industrial Training*, Vol. 20, No.8, PP.10-17.
9. Honig, Benson (2004) *Entrepreneurship Education: Toward a Model of Contingency-Based Business Planning*, *Academy of Management Learning and Education Journal*, Vol. 3, No.3, PP. 258-273.
10. Leitch, chaire and Harrison, Richard T. (1999) A Process model for entrepreneurship education and development, *International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research*, Vol.5, No.3, PP. 83-109.
11. Olsen, P.D. (1995) *Entrepreneurship: Process and abilities*, *Entrepreneurship theory and practice*, Vol. 10, No. 1, PP.25-32.